

آموزش جنسی کودکان؛ میان حیا و پیشگیری

(تحلیل دیدگاه اعتدالی و الزامات اخلاقی – تربیتی)

تأیید: 1404/08/17

دریافت: 1404/02/09

سیداحمد هاشمی علی‌آبادی^۱

سید منذر حکیم^۲

چکیده

آموزش جنسی کودکان، یکی از عرصه‌های حساس تربیتی است که در تقاطع میان ضرورت پیشگیری از آسیب‌های جنسی، حفظ حیا و پایبندی به انگاره‌های فرهنگی و دینی قرار دارد و همین مسئله، بروز دیدگاه‌های افراطی و تفریطی در این حوزه را در پی داشته است. پژوهش حاضر با مسئله‌محوری نسبت میان «حیا» و «پیشگیری»، در پی تحلیل و نقد دیدگاه‌های موجود درباره آموزش جنسی کودکان و تبیین الزامات اخلاقی و تربیتی آن براساس رویکرد اعتدالی اسلام است که با روش توصیفی – تحلیلی و با تکیه بر داده‌پردازی کتابخانه‌ای، به بازخوانی آیات و روایات مرتبط پرداخته و چارچوبی هنجاری برای آموزش جنسی کودکان ارائه می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد اسلامی، ضمن تأکید بر پرهیز از آموزش‌های تحریک‌زا و ناسازگار با شرایط سنی، بر ضرورت تربیت تدریجی و هدفمند جنسی با محوریت پیشگیری از آسیب‌ها تأکید دارد. در این چارچوب، توجه به تحریک‌پذیری جنسی کودکان، پیشگیری از زمینه‌های برانگیختگی زود هنگام، پرورش صحیح هویت جنسی، الگوسازی تربیتی در خانواده و توجه به تحولات دوران بلوغ، از مهم‌ترین الزامات اخلاقی و تربیتی به شمار می‌آید. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که در شرایط گسترش رسانه‌های نوین و افزایش کانال‌های رقیب و مخرب تربیتی، سکوت یا ملاحظات نابجای فرهنگی، نه تنها کارآمد نیست، بلکه ضرورت طراحی الگویی بومی، ضابطه‌مند و منطبق با شریعت برای تربیت جنسی کودکان را دوچندان می‌سازد.

واژگان کلیدی: آموزش جنسی کودکان، حیا، آسیب‌های جنسی، هویت جنسی، رویکرد اعتدالی اسلام.

1. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی تهران.

seyedahmad53@gmail.com

mon953@yahoo.com

2. رئیس پژوهشکده الذریه النبویه.

1. مقدمه

در عصر حاضر، آموزش جنسی کودکان به یکی از حساس‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین ساحت‌های تربیتی تبدیل شده است؛ ساحتی که در تقاطع میان ضرورت پیشگیری از آسیب‌های جنسی، حفظ حیا و پایبندی به چارچوب‌های اخلاقی و فرهنگی- دینی قرار دارد. این وضعیت، بویژه در پرتو گسترش ابزارهای نوین ارتباطی و مواجهه آسان‌تر کودکان با انواع محرک‌های جنسی، خانواده و نظام تربیتی را با چالش‌های جدی و نوپدیدی مواجه ساخته است؛ چالش‌هایی که بازاندیشی در شیوه‌ها و حدود مداخله تربیتی در این حوزه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

در ادبیات عمومی، آنچه با عنوان «آموزش جنسی» به ذهن متبادر می‌شود، غالباً به ارائه اطلاعات زیستی محدود یا حتی به آموزش‌های ناظر به روابط جنسی تقلیل می‌یابد؛ در حالی که چنین برداشتی، نه جامع است و نه منطبق با مبانی علمی و تربیتی. در نگاه صحیح، براساس تعاریف تخصصی، آموزش جنسی شامل ارائه هر نوع دانش و آگاهی به شخص می‌شود که به‌خاطر جنسیت خاص و متناسب با سن و به اقتضای مراحل رشدی خود جهت تأمین سلامت روانی، جسمی و اجتماعی و تعالی خویشتن و بقای نسل، بدان نیازمند است. بر این اساس، مسائل جنسی، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که از جمله آنها می‌توان به هویت جنسی، نقش جنسی، علائم بلوغ جنسی، وظایف اعضای جنسی، جاذبه‌های رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی و اختلالات جنسی و تکالیف دینی مربوط به مسائل جنسی و... اشاره نمود (اسماعیلی، 1381، ص 60).

بر همین اساس، آموزش جنسی، بخشی از تربیت جنسی به معنای ارائه اطلاعات کلی و صحیح راجع به وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها در این سن نسبت به خود و دیگران و نحوه ابراز علاقه و محبت و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحرافات است (شرفی، 1375، ص 223).

در این چارچوب، رویکرد اعتدالی اسلام، که ریشه در آیات قرآن کریم و روایات معصومان: دارد، از یک سو اصل توجه به آموزش جنسی کودک در فرآیند رشد را می‌پذیرد و از سوی دیگر، بر رعایت حیا، پرهیز از تحریک‌های زود هنگام و نابجا و التزام به شرایط سنی و موازین اخلاقی معقول تأکید می‌ورزد. این رویکرد، نه مبتنی بر سکوت و انکار مطلق مسائل جنسی است و نه همسو با آموزش‌های بی‌ضابطه و تحریک‌زا، بلکه بر تنظیم آگاهانه و مرحله‌مند تربیت جنسی در چارچوب اخلاق و شریعت تأکید دارد.

بدین ترتیب، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که با توجه به دیدگاه‌های موافق و مخالف موجود، آیا آموزش جنسی کودکان با رویکرد اسلامی، مسئله‌ای ضروری تلقی می‌شود و در صورت پذیرش این ضرورت، باید چه الزامات اخلاقی و تربیتی در طراحی و اجرای آن، مورد توجه قرار گیرد؟

پژوهش حاضر در پی آن است که با بررسی و نقد دیدگاه‌های مطرح شده و با تکیه بر برداشت از آیات و روایات، الزامات اخلاقی و تربیتی آموزش جنسی کودکان را تبیین کرده و چارچوبی پیشنهادی در این زمینه ارائه دهد.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و برپایه داده‌پردازی کتابخانه‌ای سامان یافته و برای پاسخ به مسئله تحقیق، ابتدا تفاوت رویکرد اعتدالی اسلام با دیدگاه‌های افراطی و تفریطی در حوزه آموزش جنسی کودکان تبیین می‌شود و سپس الزامات اخلاقی و تربیتی مبتنی بر این رویکرد مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در نهایت، با توجه به گسترش فناوری‌های نوین، افزایش محرک‌های جنسی و حضور رسانه‌های رقیب و بعضاً مخرب در عرصه تربیت، پرداختن علمی و ضابطه‌مند به آموزش جنسی کودکان در چارچوب اخلاق و شریعت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری و کنترل انحرافات جنسی و از مباحث بنیادین علوم تربیتی، ضرورتی انکارناپذیر می‌یابد؛ ضرورتی که به تعبیر برخی پژوهشگران، نقشی اساسی در تأمین سلامت روانی جامعه ایفا می‌کند (فقیهی، 1387، ص23).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق این هدف، مستلزم طراحی الگویی جامع است که بر مؤلفه‌هایی چون توجه به تحریک‌پذیری جنسی کودکان، پیشگیری

از زمینه‌های تحریک زودهنگام، پرورش صحیح هویت جنسی، الگوسازی تربیتی در خانواده و توجه ویژه به تحولات دوران بلوغ استوار باشد و ملاحظات نابجا مانع طرح علمی و ارائه راهکارهای مؤثر در این زمینه نگردد.

در این پژوهش، منظور از آموزش جنسی، بخشی از فرآیند کلان تربیت جنسی است و نه آموزش صرف اطلاعات زیستی یا تحریک‌آمیز، بلکه در چارچوب اخلاق و شریعت و با هدف پرورش هویت جنسی و پیشگیری از آسیب‌ها ارائه می‌شود.

2. پیشینه

مطالعه آثار مربوط به تربیت و آموزش جنسی با رویکرد اسلامی، نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌های کتابخانه‌ای در این زمینه، ناظر به تبیین مبانی دینی و اخلاقی آموزش جنسی است. در میان این آثار، کتاب «تربیت جنسی کودک از دیدگاه علم و اسلام»، نوشته اسلامی‌نسب، به عنوان یکی از جامع‌ترین آثار، با رویکردی تلفیقی میان دانش روان‌شناسی و آموزه‌های قرآنی، بر پرورش هویت جنسی سالم و پیشگیری از انحراف تأکید دارد.

شکربگی نیز در کتاب «مبانی تربیت جنسی با تأکید بر دیدگاه اسلام (کودکان دختر)» با تمرکز بر تربیت جنسی دختران، خلأ مطالعات جنسیت‌محور را واکاوی کرده است.

همچنین حاجی‌پور در کتاب «تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی» و رستمی در کتاب «تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با تأکید بر اندیشه‌های اسلامی» به نقش مدرسه، والدین و رسانه در تحقق تربیت جنسی اسلامی پرداخته‌اند.

مرویان حسینی نیز در کتاب «کودک و نوجوان و تربیت جنسی» به بررسی جامع تربیت جنسی در اسلام می‌پردازد و آموزه‌ها و راهکارهای اسلامی را برای مواجهه با نیازها و چالش‌های جنسی در مراحل مختلف زندگی ارائه می‌دهد. در حوزه مقالات پژوهشی، بختیاری و پاشا در «مروری بر آموزش سلامت

جنسی کودکان از دیدگاه اسلام» آغاز آموزش جنسی را از کودکی، ضرورتی تربیتی می‌دانند و سعادتمند و همکاران در «بررسی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلام» و محمدیان در «اصول و روش‌های تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از منظر آیات و روایات» با تحلیل احادیث و روایات اسلامی، بر تقدم اصول پیشگیری، حیا و حفظ مرزهای اخلاقی تأکید دارند.

پژوهش‌های مختلف دیگری نیز با استناد به منابع دینی، کوشیده‌اند الگوهای آموزش جنسی اسلامی را به صورت کاربردی تبیین کنند، اما ارائه الگوی یکپارچه و تطبیق آن با نیازهای تربیتی عصر رسانه ضروری است.

پژوهش حاضر با اتخاذ دیدگاه اعتدالی اسلام در یک چارچوب ضد افراط و تفریط و تأکید بر محورهای کلیدی، نظیر پرورش صحیح هویت جنسی، پیشگیری از تحریک زود هنگام، الگوسازی تربیتی و توجه به بلوغ، می‌کوشد تا ضمن حفظ حریم اخلاقی، الگویی کاربردی برای تربیت جنسی متناسب ارائه دهد.

3. دیدگاه‌ها درباره آموزش جنسی

به طور کلی در مورد آموزش جنسی، سه دیدگاه وجود دارد:

الف. مخالفان:

اینان کسانی هستند که آموزش جنسی را به شدت رد می‌کنند و قائلند که میل جنسی، مسئله‌ای طبیعی و غریزی است و نیاز به آموزش ندارد و از ابتدای خلقت تا کنون، همه انسان‌ها بدون آموزش با آن آشنا بوده و هستند و آموزش آن به کودکان و نوجوانان، زمینه انحراف و لغزش آنان را فراهم می‌کند.

در پیدایش این دیدگاه که گاه از سوی دلسوزان امر تربیت مطرح می‌شود، بافت فرهنگی یک جامعه، باورها و رسوم و شرم و حیا دخیل است؛ لذا گاه در بین مؤمنان مقید به دین نیز این دیدگاه وجود دارد. کسانی را هم که به پلید بودن میل جنسی حکم می‌کنند، می‌توان جزء این گروه قرار داد؛ مکاتبی نظیر بودایی و مانی در هند و چین، رهبانان مسیحیت، بخصوص در فرقه کاتولیک و مکتب کلیبان یونان باستان در زمره این افراد قرار دارند. برخی از صوفیه نیز در اسلام که طرفدار رهبانیت و ترک غریزه جنسی‌اند، جزء این دسته‌اند (کاشانی، 1385،

ص178).

بر همین اساس، مخالفان علاقه جنسی در بودا، رسیدن به مقامات بالای معنوی را با وابستگی جنسی در تضاد می‌دانند (هرمان الدنبرگ، 1340، ص324) و پذیرندگان آئین جاین (Jaina) باید پیمان‌های پنج‌گانه‌ای را امضا کنند که یکی از آنها حرمت لذت‌های جنسی برای خود و دیگران است (جان بی ناس، 1373، ص170).

در آئین مانی باید از زناشویی و تولیدمثل که موجب گسترش قلمرو اهریمن است، خودداری کرد و به اندازه توان، به از میان بردن تاریکی‌ها و شرور کمک کرد (نصری، 1388، ص96).

رهبران کلیسا و بخصوص روحانیان ارتدوکس و کاتولیک نیز هرچند ازدواج را حرام نمی‌دانند، اما تحت تأثیر تجرد حضرت یحیی و حضرت عیسی و مادر ایشان، ازدواج را عملی پلید می‌دانند. در این رابطه، پولس قدیس در نامه اول خود به قرن‌تیان می‌نویسد: «کاش همه می‌توانستند مانند من مجرد بمانند! اما ما همه مثل هم نیستیم؛ پس به آنانی که ازدواج نکرده‌اند و نیز بیوه‌زنان می‌گویم که بهتر است اگر می‌توانند، مثل من مجرد بمانند، اما اگر نمی‌توانند بر امیال خویش مسلط باشند، بهتر است ازدواج کنند» (عهد جدید، رساله اول پولس رسول به قرن‌تیان، 7: 8-10، ص271).

طبیعتاً نتیجه پست شمردن میل جنسی در این دیدگاه، مذموم بودن مسئله تربیت جنسی خواهد بود که از نگاه نگارنده، این دیدگاه دچار ایراداتی است:

اولاً: اگر منظور از آموزش جنسی، آموزش مسائل خاص درباره آمیزش و ارضای
زن و مرد باشد، می‌توان گفت که طرح بی‌پرده آن برای کودکان و حتی بزرگسالان،
مطلوب نیست، مگر در موارد خاص و برای رفع برخی بیماری‌های مقاربتی و درمان اختلالات جنسی؛
آن هم با رعایت چارچوب اخلاق و دین توسط مشاور یا درمانگر، اما اگر تعریف آموزش جنسی

را عام بدانیم که شامل مسائلی لازم برای کودکان و نوجوانان و جوانان و همه افراد است که

به تربیت و کنترل صحیح میل جنسی منجر می‌گردد، واژه «تربیت جنسی» می‌تواند معادل خوبی برای بحث ما باشد.

ثانیاً: هر چیزی که فطری و طبیعی باشد، به چه دلیل تمام ابعاد آن نیاز به تعلیم و تربیت ندارد؟! راه‌های کنترل و ارضای صحیح میل جنسی که دیگر فطری نیست و قطعاً نیاز به آموزش دارد! برخی از مسائل به صورت غریزی و فطری در وجود انسان قرار داده شده است، اما برای رشد و تعالی آن و نیز جلوگیری از وقوع انحراف، باید ابعاد آن آموزش داده شود؛

مثلاً کودکان به صورت فطری خدا را می‌شناسند، اما راه‌های بندگی و تربیت دینی کودکان باید آموزش داده شود.

ثالثاً: درست است که گاهی آموزش غلط و نابجا بدآموزی دارد که منظور نگارنده در عنوان اصلی بحث هم این نیست، اما بپذیریم که بسیاری از رفتارهای غلط جنسی که در سنین مختلف از انسان دیده می‌شود، خود از عدم تربیت صحیح و ندانستن اطلاعات و منبع درست اطلاعات در این زمینه سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین تربیت جنسی، امری ضروری و بلکه از ساحت‌های مهم تربیتی، بویژه در زمان فعلی و با رشد ابزارهای مخرب در عرصه تربیت است.

برخی محققان در ضرورت طرح بحث آموزش جنسی به همه‌جانبه بودن تربیت اشاره نموده و تربیت صحیح را تربیتی می‌دانند که همه جنبه‌ها و رفتارهای فرد را از جمله در عرصه رفتارهای جنسی شامل شود. ایشان در ادامه به دو مسئله آموزشی در تربیت جنسی اشاره می‌کنند: نخست، آشنایی کودک و نوجوان با حقایق بیولوژیک جنسی برای تأمین بهداشت اعضای جنسی و دوم، بحث مراقبت جنسی و چگونگی کنترل میل جنسی با توجه به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه (شعاری نژاد، 1392، ص 59).

ب. موافقان:

در این دیدگاه هر نوع آموزش و اطلاع‌رسانی جنسی به کودک و نوجوان، مفید و لازم شمرده می‌شود. معتقدان به این دیدگاه قائلند که نیازها و سؤالات علمی کودکان در این باره باید با صداقت پاسخ داده شود وگرنه سر از انحراف ناشی از جهل درمی‌آورد.

«فاخر عاقل» نویسنده مصری در کتاب «التربیه قديمها و حديثها» در بحث قواعد تربیت جنسی می‌گوید: «قاعده اول در تربیت جنسی عبارت است از: صراحت و ذکر حقایق صحیح علمی؛ لذا مناسب نیست به طفل گفته شود که برادرش در باغ پیدا شده [یا از بیمارستان او را آوردیم] و... بلکه باید به او گفته شود که برادرش در شکم مادر یافت شده و وقتی پرسید از کجا بیرون آمد، با تمام سادگی باید به او گفته شود: از بین دو ران مادرش» (عاقل، بی‌تا، ص 397).

هرچند به روشنی بنیانگذار این اندیشه روشن نیست، اما ریشه‌های اجتماعی آن به تحولات زیست جنسی در غرب برمی‌گردد. تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم جهت کنترل بیماری‌های مقاربتی مثل سفلیس، سوزاک و... که بین گروه‌های سربازان پدید می‌آمد، این مسئله به صورت جدی مطرح شد که باید آموزش جنسی صورت گیرد و در دهه هفتاد، آموزش جنسی مدارس از پایه دگرگون شد؛ یعنی در درس زیست‌شناسی درباره دستگاه تولید مثل انسان مفصلاً بحث شد و شیوه‌های جلوگیری از بارداری به صورت گسترده آموزش داده می‌شد. اخیراً با بیماری‌های جدید مقاربتی مثل ایدز (H.I.V) این مسئله به‌طور جدی‌تر مطرح است.

الیزابت بی. هارلوک در کتاب «روان‌شناسی شخصیت» می‌گوید: پدر و مادری که فعالیت‌های جنسی محرمانه و مخفی‌شده انجام می‌دهند، باعث ایجاد یک توطئه سکوت در خانه می‌شوند و باعث کنجکاوی بیشتر کودکان برای یادگیری می‌شوند (بی. هارلوک، 1393، ص 335).

«برتراند راسل» نیز در بیان اهمیت آموزش جنسی می‌گوید: «بچه‌های روستایی خیلی زود با آنچه ما آنها را حقایق زندگی می‌نامیم، آشنا می‌شوند؛ زیرا ایشان آن را نه تنها در بین آدم‌ها، بلکه در بین حیوانات هم می‌توانند مشاهده کنند؛ بنابراین ایشان همیشه از خطر فراموشی یا دیرباوری این حقایق مصون می‌مانند.

برعکس این گروه، فرزندان تربیت شده در شهر هستند که از هرگونه دانش درباره امور جنسی کنار نگه داشته شده‌اند» (رابرت.ا.اگنر، 1389، ص90).

آنچه این مسئله را از کانال صحیح و ضرورت طرح آن به این شیوه خارج کرد، تغییر در نحوه نگرش مادی‌گرایانه به هستی، مبدأ، انسان، دنیا و عقل بود که از رنسانس پیش آمد و با افکار جدید «سکولاریستی، لیبرالیستی و فمینیستی» شکل تازه‌ای به خود گرفت و بینش انسان در سایر حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و حتی علوم طبیعی را تحت تأثیر خود قرار داد.

مشخصاً سه عامل «نظریه فروید و جنبش فمینیستی و نظریه اختلاط» در کوره این دیدگاه، بیشتر دمید. «زیگموند فروید» مهار غرایز و عدم ارضای شهوات، بویژه میل جنسی را موجب ایجاد عقده‌های روانی می‌دانست. وی ریشه مشکلات، خشونت‌ها، ناهنجاری‌ها و اضطراب‌های فردی و اجتماعی را ناشی از قید و بندهای جنسی و غرایز سرکوب شده مطرح نمود و راه نجات را آزادی بی‌قید و شرط این غریزه می‌دانست (منصور، 1387، ص94 - 104؛ ا. راس، 1378، ص70 - 94؛ شولتز، 1390، ص48 - 105).

شاید منشأ این نظریه، عادی‌سازی روابط جنسی و کاستن از بار روانی و اجتماعی آن بوده است. به هر حال این دیدگاه نقدهای جدی را در پی دارد؛ ازجمله: اولاً: حد اشباع این میل تا کجاست؟ میل جنسی دارای دو جنبه جسمانی و روانی است. در جنبه جسمانی، آدمی بسیار محدود است و شاید با یک بار ارضا نیز اشباع شود، اما جنبه روانی آن (هوس یا تنوع طلبی) هرگز سیری ندارد و هیچ‌گاه عادی نخواهد شد. یکی از دلایل و شواهد واضح آن نیز وجود حرمسراهایی است که در طول تاریخ، چندصد زن در آن حضور داشته‌اند و باز عادی نشد! هم‌اکنون نیز به-رغم آزادی‌های بی‌حد و حصر در زندگی غرب، باز هم از شدت این مسئله کاسته نشده است.

ثانیاً: همان‌گونه که محدود ساختن میل جنسی مشکلاتی را به بار می‌آورد، آزادسازی بی‌قید و شرط آن نیز چنین است. خود تحریکات و تهییج‌ات بدون پاسخ یا با پاسخ غلط، کم از سرکوب نیست. برای خروج گاز درون چاه نفت و کاستن از تراکم آن باید گاز آن را خارج کرد و سوزاند، اما فراموش نکنیم که این آتش با

افزودن طعمه، هرگز خاموش نمی‌شود!

البته زمان زیادی نگذشت که فروید ناچار شد با نظریه «تصعید»، میل جنسی را به سوی امور هنری و ورزشی سوق دهد تا آن را اشباع کند (دژکام، 1388، ص 50-55)، اما نظریه وی تأثیر نامطلوب خود را در جوامع غربی گذاشت. نقد اصلی بر دیدگاه موافقان آموزش جنسی، نادیده گرفتن انگاره «اخلاق جنسی» در کنار آموزش جنسی است. ضرورت نگاه جامع به انسان و تمام ابعاد وجودی او، ضرورت توجه به ارزش‌های دینی و اجتماعی، ضرورت توجه به روابط معقول و منطقی و... اقتضا می‌کند که آموزش جنسی، مقید به قیودی باشد که در دیدگاه سوم به آن خواهیم پرداخت.

این ضرورت‌ها غربیان را بر آن داشت که در دهه‌های اخیر، مباحث مربوط به اخلاق جنسی را مطرح کنند؛ بر این اساس باید کمک کنیم تا کودکان خطرات جسمانی، عاطفی و اخلاقی ناشی از لابی‌گری و روابط ناپایدار جنسی را تشخیص دهند؛ مدارس باید پسران و دختران را تشویق کنند که در امور جنسی، مسئولانه عمل کنند و باید به دانش‌آموزان کمک کرد تا منافع خویشتنداری جنسی و ازدواج پایدار و زندگی خانوادگی و مسئولیت‌های والدین را درک کنند.

ج. اعتدال؛ دیدگاه برخاسته از آموزه‌های اسلامی:

دیدگاه سوم که مورد تأیید اسلام است، ضرورت طرح و آموزش مسائل جنسی در چارچوب اخلاق و شریعت و انگاره‌های صحیح عرفی است که با توجه به شرایط سنی و نیازهای هر مقطع از سن که بیشتر معطوف به سه مقطع کودکی، دوران بلوغ و بحث زناشویی است، ارائه می‌گردد. در این دیدگاه، تعدیل، تربیت و کنترل میل جنسی و آموزش صحیح جنسی، امری ضروری است. به‌طور کلی از نگاه آیات و روایات، تربیت و آموزش جنسی دارای نکات زیر است:

- باید ربّانی باشد (یعنی تکلیف مربیان و والدین است و دارای اجر اخروی).
- باید انسانی باشد (یعنی مطابق با کرامت و حرمت انسان باشد، نه برای برانگیختن شهوت).
- باید مستمر و تا آخر عمر و به صورت تدریجی و مطابق با فرآیند رشد انجام

گیرد.

- باید واقع‌گرا باشد (نه با نگاهی منفی و سرکوب‌گرانه و نه با نگاهی افراطی و کمونیسم جنسی، بلکه با رویکرد فلسفی صحیح که در آن، غریزه دارای خیر وجودی و لازم برای کمال و در عین حال، کنترل‌پذیر است که باید تربیت شود).
- باید مطابق رشد عقلی، جسمی و جنسی کودک صورت گیرد و نیز جنسیت فرزند در نظر گرفته شود.

در ادامه، ادله و مؤیدات ضرورت آموزش جنسی با رعایت چارچوب اخلاق، حیا و پیشگیری، با توجه به شرایط سنی و اقتضائات رشد کودک بیان می‌شود:

1. قرآن کریم

قرآن کریم با ظرافت خاص و فصاحت و بلاغت ویژه‌ای به مسائل جنسی اشاره کرده است. در مورد حضرت آدم و حوا می‌فرماید: سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند خواستند که اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود (اعراف/189). در آیات دیگر نیز موضوع انحراف جنسی یک زن و عفاف یک جوان، آن هم در اوج غریزه جنسی مطرح می‌شود (یوسف/22-34).
در قرآن کریم از داستان باردار شدن حضرت مریم و به دنیا آمدن حضرت عیسی (مریم/16-34)، آیاتی درباره روابط زن و شوهر (روم/21؛ مؤمنون/5)، آمیزش جنسی (بقره/187، 223، 237)، انحرافات جنسی (مؤمنون/7)، زنا (اسراء/32؛ نور/2-4)، لواط (اعراف/80) مراحل رشد جنین (حج/5؛ مؤمنون/14)، احتلام (نساء/6)، جنابت (مائده/6)، نطفه (دهر/2؛ مؤمنون/13)، رحم (آل عمران/6)، بارداری و زایمان (احقاف/15)، حیض (بقره/222) و صفات حوریان بهشتی (واقعه/22؛ نبأ/33) و... سخن به میان آورده است و حتی دستور می‌دهد که کودکان را برای ورود به خلوت پدر و مادر آموزش دهید (نور/58-59).

قرآن کریم در همه این موارد، موازین اخلاقی را به بهترین نحو رعایت کرده و با ظرافتی بی‌نظیر، از ذکر جزئیات صریح دوری گزیده و صرفاً بر اصل عفت و حیا تأکید فرموده است. این شیوه بیان قرآن، درسی است برای والدین و مربیان که

سزاوار است در تعامل با کودک که خود نیازمند پرده‌پوشی و حفظ حریم است، از هرگونه تصریح یا نمایش مستقیم که پرده عفاف را می‌برد، پرهیز نماییم.

2. روایات

در روایات معصومین: نیز مباحث مختلفی راجع به مسائل جنسی، حتی جزئی‌ترین مسائل آن، در قالب دستورات آموزشی و تربیتی بیان شده است (ابن بابویه، 1413، ج3، ص436) و در موارد بسیاری، بر چگونگی رابطه حلال و صحیح جنسی تأکید شده و نحوه رفتار صحیح با همسر، طرز برخورد با او، زمان و مکان و حتی رفتارها و گفتارهای صحیح در نزدیکی با همسر و... نقل شده است.

نکته‌ای که در اینجا باید بر آن تأکید کرد، این است که در انسان، برخلاف سایر جانداران، کیفیت همبستر شدن با همسر و انجام رفتار جنسی، صرفاً غریزی نیست، بلکه آموختنی است و باید روش صحیح آن را یاد گرفت؛ گرچه اصل وجود غریزه جنسی، غریزی است. به همین دلیل، یکی از آموزه‌های ضروری برای هر پسر و دختر جوان که در آستانه ازدواج هستند، فراگیری دانستنی‌ها و آموزش‌های لازم در این زمینه است.

اهداف آموزش و تربیت جنسی کودک، چیزی غیر از اهداف گونه‌های دیگر تربیتی نیست و غایتی که در این تربیت، مربی به دنبال آن است، اعتدال‌بخشی به رفتارهای جنسی و به‌طور خاص، در کودکی، جلوگیری از تحریک شدن اندام‌های جنسی در این سن است که تبعات آن در دوران دیگر، بخصوص نوجوانی و جوانی، موجب آسیب‌های رفتاری بسیار خطرناک می‌شود.

روایاتی که از اهل بیت: در این باره به دست ما رسیده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- توصیه‌هایی به والدین و اطرافیان کودک:

این توصیه‌ها بر نحوه تربیت جنسی فرزند توسط بزرگسالان تمرکز دارد؛ مانند دوری از آمیزش با همسر در مکانی که کودک حضور دارد. امام صادق 7 فرمود: «مرد نباید با همسرش و نه با کنیزش آمیزش کند، در حالی که در خانه، کودکی حضور دارد؛ زیرا این کار از عواملی است که موجب زنا می‌شود» (کلینی،

1407، ج 5، ص 500).

- توصیه‌های تربیتی برای افراد در دوران کودکی:

این موارد نیز باید توسط والدین به نحوی به فرزند تذکر داده شده و او را در انجام و به خاطر سپردن آن، یاری دهند؛ مانند «خودداری از بوسیدن افراد نامحرم». امام صادق 7 می‌فرماید: «چون دختر شش ساله شد، پسری او را نبوسد و پسر چون سنش از هفت سالگی گذشت، زنی او را نبوسد» (ابن بابویه، 1413، ج 3، ص 437).

همچنین امام صادق 7 به نقل از پیامبر خدا 9 درباره «جلوگیری از دیدن اندام جنسی دیگران» فرمود: «برای والدین شایسته نیست که به شرمگاه فرزند خود نگاه کنند و برای فرزند روا نیست که به شرمگاه پدر نگاه کند» (کلینی، 107، ج 6، ص 503).

نیز امام صادق 7 درباره «اجازه گرفتن برای ورود به اتاق پدر و مادر» فرمود: «کسانی که مملوک شما هستند و کسانی که بالغ نشده‌اند، باید در سه زمان از شما اجازه بگیرند؛ همان گونه که خداوند به شما امر کرده است (نور/58)» (کلینی، 1407، ج 5 ص 529).

نتیجه مراجعه به آیات و روایات این است که به بیان برخی پژوهشگران عرصه تربیت، با این همه دستورات جامع، انسان به این مهم پی می‌برد که در یک خانواده مسلمان پایبند به اصول و احکام اسلامی، محال است که طفل و جوان، بی‌خبر از مسائل جنسی بار آیند (بهشتی، 1386، ص 253-262).

3. حس کنجکاوی کودکان و لزوم پاسخ‌گویی به سؤالات جنسی

حس کنجکاوی و پرسشگری انسان از همان اوایل کودکی بروز می‌کند و گاهی با سؤالاتی از این دست که: «من از کجا آمده‌ام؟ چرا دختر و پسر فرق می‌کنند؟ چرا من برادر یا خواهر ندارم؟ و...» شروع به فعالیت می‌کند و به موازات رشدش، بر سطح و عمق سؤالاتش افزوده می‌شود. گاهی نیز با وقایعی روبه‌رو می‌شود که این سؤالات را تشدید می‌کند؛ مثل اینکه می‌بیند برخی از پرندگان روی هم می‌پرند و از همه مهم‌تر، در دوران بلوغ با تغییرات جسمی و روحی خود

رو به رو می‌شود و ده‌ها سؤال در ذهنش شکل می‌گیرد.

حال در این هجمه سؤالات، آیا می‌توان کودک را رها کرد یا با پاسخ‌های نسنجیده و نابجا، او را دچار تلاطم نمود؟ یا او را در هجوم رسانه‌های بدآموز و مخربی مثل اینترنت و ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی تنها گذاشت؟ برخی از پژوهشگران غربی در این باره می‌گویند: اگر به کنجکاوی کودک در مورد مسائل جنسی در خانه پاسخ داده نشود، او در پی یافتن این اطلاعات در محیط بیرون خانه برمی‌آید؛ در حالی که امکان به دست آوردن اطلاعات بسیار غلط در بیرون از محیط خانه، بیشتر است (بی. هارلوک، 1393، ص 356).

اهمیت مسأله، وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم معمولاً کودکان و نوجوانان از دوستان خود خیلی بیشتر از والدینشان اطلاعات جنسی را به دست می‌آورند. اثر گروه‌های همسال در شکل‌گیری هنجارهای اخلاقی رفتار جنسی، فوق‌العاده زیاد است؛ بویژه وقتی که گفت‌وگوی بزرگسالان یا نوجوانان درباره مسائل جنسی، نوعی «تابو» و در شمار امور ناگفتنی به حساب آید، این اطلاعات از طریق همسالان و هم‌کلاسی‌ها در اختیار نوجوانان قرار می‌گیرد (لطف‌آبادی، 1385، ج 2، ص 86).

ابراهیم امینی در این باره می‌گوید: «برخی از پدران و مادران برای پرده پوشی، از پاسخ دادن به فرزندان طفره می‌روند و با عباراتی مانند خفه شو! فضولی نکن! این حرف‌ها به تو نیومده! بزرگ بشی می‌فهمی و... بچه‌ها را ساکت می‌کنند. برخی نیز جواب می‌دهند، اما جواب‌هایی که خلاف واقع و نادرست است و غالباً خود کودک یا نوجوان هم متوجه می‌شود که پدر و مادر می‌خواهند او را فریب دهند» (امینی، 1389، ص 345).

وقتی قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: «وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ...» (نحل/78) و ما نیز طبق دستور اهل بیت: مأمور به تعلیم قرآن به فرزندانمان هستیم، چرا پدر و مادر از جواب دادن، طفره می‌روند؟ البته شایسته است که هنگام پاسخ، برای رعایت تناسب، به موارد زیر توجه داشت: سطح درک کودک، آموزش تدریجی، نفرت‌انگیز نبودن پاسخ، عادی برخورد کردن با سؤال کننده و حساسیت‌زا نبودن، حفظ حرمت و عدم پرده‌داری در بیان مسائل جنسی، دقت در به

کار بردن واژه‌های مورد استفاده، اکتفا به حداقل و قدر کفایت، کلی‌گویی، طرح این مسائل همراه با تقویت روحیه معنوی در متربی، زمینه‌سازی برای پاسخ به برخی سوالات و استفاده از موقعیت‌های مناسبی مثل باغ‌وحش، بارداری، زاییدن حیوانات و رفتن به دکتر، پرهیز از شوخی، خنده و دستپاچگی در هنگام پاسخ، پاسخ‌گویی در قالب مفاهیم دینی و اخلاقی، همجنس بودن مربی و متربی در حد امکان و... (ثابت، 1386، ص 192-202).

تحقیقی درمورد دانش‌آموزان نشان داده است که اغلب آنان نمی‌توانند درباره مسائل جنسی از والدین خود پرسش کنند؛ زیرا آنها عصبانی شده و فرزندان را به بداخلاقی و سوءتربیت متهم می‌کنند. گاهی نیز به احساس حقارت یا سراسیمگی دچار شده و احتمالاً با پاسخ دروغ و اظهار بی‌اطلاعی، واکنش نشان می‌دهند. هرچند انگیزه والدین، صیانت از کودکان است، ولی به شکل رمز و راز درآوردن مسائل جنسی، آنان را در آینده دچار مشکل می‌کند (سالاری‌فر، 1389، ص 42).

4. مفاسد عدم آموزش

چهارمین دلیل بر ضرورت آموزش مسائل جنسی، «عواقب ندانستن مسائل جنسی از طریق صحیح آن» است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- استفاده از کانال‌های اطلاعاتی آلوده، نامطمئن و مضر که بر اثر ارضا نشدن حس کنجکاوی صورت می‌گیرد؛ بویژه امروزه که این کانال‌ها به صورت سرسام‌آوری رو به رشد است. با کمال تأسف، آنچه در این شبکه‌های مرموز ترویج می‌شود، بیشتر زمینه‌ساز انحرافات و لغزش‌های جنسی است، نه بهبود روابط جنسی (غلامی، 1390، ص 82).

- احساس گناه و خجالت از مشاهده عوارض طبیعی بلوغ که بعضاً به انزوا و درون‌گرایی و خودارضایی می‌انجامد.

- عدم اطلاع از تکالیف شرعی و وظایفی که نوجوانان در مقابل عوارض جسمی و جنسی دوره بلوغ دارند و در نتیجه، سست شدن بنیان اخلاقی و اعتقادی و متزلزل شدن حیات دینی و معنوی فرد. متأسفانه در مواردی که نگارنده نیز خود به چند مورد آن در تبلیغ برخورد نموده، دختر و پسر بعد از ازدواج فهمیده‌اند که ازدواجشان از ریشه باطل و حرام بوده است!

- شکل‌گیری عادات و رفتارهای نامتعادل و ناهنجار جنسی مبتنی بر اطلاعات غلط جنسی که در زندگی به آنها دست یافته است؛ مثلاً کسی که داشتن روابط جنسی را گناه قلمداد می‌کند، چنین روابطی را شامل روابط زناشویی نیز می‌داند؛ در نتیجه آنگاه که خود در نقش یک زن یا مرد ظاهر می‌شود، رفتارهای نامتعادل جنسی بروز می‌دهد و زمینه سردمزاجی او فراهم می‌گردد و در نهایت، منجر به تزلزل بنیان خانواده می‌شود.

- نگرش نادرست دختران و پسران در مورد یکدیگر که گاه آنها را موجوداتی فرشته‌صفت و گاه دیو و دد می‌دانند.

- گرایش دختران و پسران در دوران بلوغ به عشق‌های افراطی و شیدایی و در نتیجه، سقوط در دره‌های خطرناک بی‌عفتی.

- اختلال در سایر روابط خانوادگی و اجتماعی و دلسردی و دلزدگی از عمل جنسی (متقی‌فر، 1380، سال 10، ش 3، ص 113-114).

5. تعادل روانی در بزرگسالی

دیدگاه اعتدال در آموزش مسائل جنسی، برخلاف دو رویکرد افراطی و تفریطی، بر شناخت متعادل از نیازهای عاطفی، جسمی و روانی کودک تأکید دارد. این دیدگاه تربیت جنسی را نه ترویج رفتارهای جنسی، بلکه فرآیندی آموزشی، تربیتی و پیشگیرانه می‌داند که هدف از آن، رشد سالم هویت جنسی و تقویت توانایی‌های شناختی و اخلاقی کودک در مواجهه با این مسائل است.

براساس این رویکرد، آموزش صحیح سبب می‌شود که کودک ضمن درک واقع‌بینانه از بدن، تفاوت‌های جنسیتی و احساسات خود، بتواند در آینده، رابطه‌ای عاطفی و سالم با همسر خود برقرار کند. آموزش آگاهی‌بخش درباره بدن، احترام به جنس مخالف و مرزهای شخصی موجب می‌شود که فرد در بزرگسالی به تعادل روانی و عاطفی بیشتری برسد و از رفتارهای پرخطر یا انحرافی دوری کند.

6. جامعیت اسلام

براساس این ادعا که اسلام دارای آموزه‌های غنی و جامع است و نسبت به نیازهای بشری پاسخگوست و برای زندگی او برنامه و هدف دارد، تبیین نگاه

اسلام در این زمینه مورد نیاز است تا سایر دیدگاه‌های غلط غربی و شرقی روشن شود و نگاه‌های غلط، از فرهنگ اسلامی و نسل جوان دور بماند. الزامات تربیتی درمورد آموزش جنسی کودکان از این قرار است:

الف) توجه به تحریک‌پذیری جنسی کودکان

اهمیت این مسئله وقتی است که بدانیم تحریک جنسی در کودکان، درست است که به نتیجه عمل جنسی یا لذت جنسی بزرگسالان منجر نمی‌شود، اما یقیناً بر سیستم عصبی او و جلوگیری از توجه وی به بازی‌های کودکانه که برای دوران رشد او لازم و ضرورت است، تأثیر می‌گذارد و سبب سستی اراده و نیز بلوغ زودرس می‌گردد؛ چرا که ابعاد سه‌گانه شخصیت انسان، یعنی بعد شناختی، گرایشی و رفتاری در تأثیر متقابل بر روی یکدیگر هستند.

بر همین اساس است که برخی ستر عورت را حتی از محارم، ضرورت دین می‌دانند و آن را به کتاب و سنت و اجماع مستند می‌کنند و چنین می‌نویسند: «قرآن کریم درصدد هدایت و تربیت انسان است و ستر عورت، یک نوع نظافت و نزاهت و پاکیزگی روح و دوری کردن از ناهنجاری‌های جنسی است (نور/31)» (فیض کاشانی، 1401ق، ج2، ص373 و ج1، ص105).

بعضی همچون شهید مطهری با ابراز تأسف از نگاه برخی دانشمندان غربی مانند راسل، می‌نویسد: ایشان ستر عورت را امری بی‌منطق و تابو دانسته است و گوید: «چرا پدران و مادران اصرار می‌ورزند که عورت خود را از بچه بپوشند؟ این اصرار، خود سبب تحریک حس کنجکاوی بچه‌ها می‌گردد. اگر کوشش والدین برای کتمان عضو تناسلی نباشد، چنین کنجکاوی کاذبی وجود پیدا نخواهد کرد. باید والدین عورت خود را به بچه‌ها نشان دهند تا آنها هرچه را وجود دارد، از اول بشناسند و دست‌کم گاهی اوقات، مثلاً هفته‌ای یک بار در صحرا و حمام، برهنه شوند و عورت خود را در دید بچه قرار دهند!» (مطهری، 1376، ج19، ص477).

ب) پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی و ایجاد بلوغ زودرس در کودکان

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگر مردی همسرش را در آغوش بگیرد [مراد ارتباط جنسی است]، در حالی که در آن

خانه، کودکی بیدار باشد و آنها را ببیند و کلام آن دو را بشنود و نفس آن دو را بفهمد، هرگز آن کودک رستگار نخواهد شد؛ اگر پسر باشد، زناکار خواهد شد و اگر دختر باشد نیز زناکار خواهد شد». امام سجاده 7 هرگاه قصد خلوت با همسرشان را داشتند، درها را می‌بستند و پرده‌ها را می‌افکندند و خادمان خود را بیرون می‌کردند¹ (کلینی، 1407، ج 5، ص 500؛ حر عاملی، 1409ق، ج 20، ص 133).

لازم به ذکر است که تأثیر روانی دیدن ارتباطات جنسی، فقط مربوط به پدر و مادر نیست، بلکه کودکان از هر راهی مثل ماهواره‌ها، اینترنت و سایر ابزارهای سمعی و بصری پی به این مسائل ببرند، این خطر و تأثیر وجود دارد. باید توجه داشت که صفحه پاک ذهن کودک، این تصاویر را در حافظه خود نگهداری می‌کند و گاهی نیز از باب تقلید با همسالان خود، آن را بروز می‌دهد؛ لذا در مضامین روایات ما وارد شده است که: پیامبر گرامی اسلام 9 فرمود: از کلاغ، سه خصلت را یاد بگیرید: مخفیانه آمیزش کردن، صبحگاهان به طلب روزی رفتن و محتاط بودن² (ابن بابویه، 1413ق، ج 1، ص 482).

در سوره مبارک «نور» نیز در قالب یک دستور اخلاقی آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند (و وارد اتاق شما شوند) پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس‌های خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء؛ این سه وقت خصوصی برای شماست، اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمت به یکدیگر خدمت نمایید)! این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند،

1. «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشَى امْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِظٌ يَرَاهُمَا وَ يَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ نَفْسُهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا إِذَا كَانَ غُلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَ زَانِيَةً وَ كَانَ عَلَيَّ بَنُ الْحُسَيْنِ 7 إِذَا أَرَادَ أَنْ يَغْشَى أَهْلَهُ أَغْلَقَ الْبَابَ وَ أَرْخَى السُّتُورَ وَ أَخْرَجَ الْخَدَمَ».

2. «تَعَلَّمُوا مِنَ الْغُرَابِ ثَلَاثًا إِسْتِزَارَهُ بِالسَّفَادِ، بُكُورُهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ حَذَرُهُ».

دانا و حکیم است و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند، باید اجازه بگیرند؛ همان‌گونه که اشخاص پیش از آنها اجازه می‌گرفتند» (نور/57-58).

برخی از بزرگان معاصر در این باره نوشته‌اند: «برای ریشه‌کن ساختن يك مفسده اجتماعي مانند اعمال منافی عفت، تنها توسل به اجرای حدود و تازیانه زدن منحرفان کافی نیست. در هیچ يك از مسائل اجتماعی چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نخواهد داد، بلکه باید مجموعه‌ای ترتیب داد از آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی و همچنین آموزش‌های صحیح اسلامی و ایجاد يك محیط اجتماعی سالم؛ سپس مجازات را به عنوان يك عامل در کنار این عوامل در نظر گرفت. به همین دلیل در این سوره نور که در واقع، سوره عفت است، از مجازات تازیانه مردان و زنان زناکار شروع می‌کند و به مسائل دیگر مانند فراهم آوردن وسایل ازدواج سالم، رعایت حجاب اسلامی، نهی از چشم‌چرانی، تحریم متهم ساختن افراد به آلودگی ناموسی و بالاخره، اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به خلوتگاه پدران و مادران، گسترش می‌دهد. این نشان می‌دهد که اسلام از هیچ يك از ریزه‌کاری‌های مربوط به این مسئله غفلت نکرده است... برخلاف آنچه بعضی از ساده‌اندیشان فکر می‌کنند که کودکان سر از این مسائل در نمی‌آورند و خدمتکاران نیز در این امور، باریک نمی‌شوند، ثابت شده است که کودکان (چه رسد به بزرگسالان) روی این مسئله فوق‌العاده حساسیت دارند و گاه می‌شود که سهل‌انگاری پدران و مادران و برخورد کودکان با منظره‌هایی که نمی‌بایست آن را ببینند، سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی شده است» (مکارم شیرازی، 1374، ج14، ص545).

نکته کلیدی مطالب فوق این است که نباید آموزش‌های جنسی و جنسیتی مربیان،

1. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ، وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

بخصوص والدین، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، زمینه‌های تحریک جنسی را در کودکان ایجاد نموده و موجب بلوغ زودرس گردد. به بیان برخی پژوهشگران، بحث «حیای جنسی» و انتخاب الفاظ آموزشی، نقش مهمی در این امر دارد (فقیهی، 1387، ص24).

ج) پرورش صحیح هویت جنسی کودکان (Gender identity)

جنسیت سالم، بخشی حیاتی از عزت نفس کودک را تشکیل می‌دهد. بسیاری از انحرافات جنسی در دوران نوجوانی و جوانی، همچون تشبّه به جنس مخالف و بروز رفتارهای مخالف جنسیت، ریشه در پرورش نادرست هویت جنسی است. پرورش هویت جنسی، از همان دوران کودکی و با روش‌های صحیح و ظریف تربیتی باید در دستور کار والدین قرارگیرد تا فرزند، توصیف صحیحی از هویت و ویژگی‌های خود و نیز مسئولیت‌های مطابق با نقش جنسی خود پیدا کرده، نقش جنسی و اجتماعی خود را براساس آن پایه‌ریزی کند.

آموزش نقش‌ها و تکالیف جنسیتی، خود سهم مهمی از آموزش جنسی به معنای عام است؛ بنابراین برای پرورش هویت جنسی که سهم زیادی در پیشگیری از انحرافات جنسی دارد، باید:

اولاً: بینش و عملکرد والدین به‌گونه‌ای باشد که هیچ جنسیتی بر دیگری برتری نداشته باشد و هر دو جنس پسر و دختر، ارزشمند باشند تا کودک به راحتی و بدون آرزوی داشتن جنسیت مخالف، به هویت خود دست یابد و در آینده به خوبی این نقش را ایفا کند. یکی از ریشه‌های تشبّه به جنس مخالف، در همین برهه شکل می‌گیرد. متأسفانه هنوز هم در برخی جوامع و مناطق، نقش جنسیتی پسر بر دختر ترجیح دارد؛ در حالی که به تصریح قرآن کریم، این خداوند است که تفاوت‌های جنسیتی را ایجاد می‌کند، نه پدر و مادر: «مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست؛ هرچه بخواهد، می‌آفریند و به هر کس اراده کند، دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد، پسر؛ یا اگر بخواهد، پسر و دختر را برای آنان جمع می‌کند و هر کس

را بخواهد، عقیق می‌گذارد؛ زیرا او دانا و قادر است»^۱ (شوری/49-50).

امام صادق 7 انگاره برتری یک جنس بر جنس دیگر را رد نموده، می‌فرماید: «فرزندان دختر جزء نیکی‌ها به حساب می‌آیند و فرزندان پسر جزء نعمت؛ و خداوند (روز قیامت) به خاطر نیکی‌ها ثواب می‌بخشد و از نعمت‌ها سؤال می‌کند»^۲ (کلینی، 1407، ج 6، ص 6؛ مجلسی، 1402ق، ج 4، ص 219).

ثانیاً: باید نقش جنسیتی هر یک از دختر و پسر به او آموزش داده شود تا آنها بفهمند که جامعه از هر یک از آنها چه انتظاری دارد و هر یک از نظر رفتاری، گفتاری، پوشاک و... چه نقشی باید ایفا کنند. به گفته برخی متفکران، تفاوت در موقعیت‌ها و نقش‌ها و حقوق، لازمه حیات اجتماعی و خانوادگی است و رعایت این تفاوت‌ها تنها راه دستیابی به جایگاه ارزشی زن و مرد است (زیبایی نژاد، 1391، ص 44).

جنسیت، هم بر جنبه‌های جسمی تأثیر دارد و هم بر جنبه‌های عاطفی همچون روابط، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های تصمیم‌گیری. رشد و پذیرش نقش جنسی، حداقل دارای سه اثر مهم و تأثیرگذار است:

1. ثبات جنسیت که در انجام تکالیف محوله نقش کلیدی دارد و از دوسوگرایی جلوگیری می‌کند.

2. احساس رضایت و آرامش از ایفای نقش جنسی خود؛ چنان‌که در روایات آمده است: حضرت صدیقه طاهره 3 از پذیرش نقش جنسی که از سوی پیامبر به ایشان و امیر مؤمنان داده شد، ابراز خشنودی فرمودند (جمعی از نویسندگان، 1389، ص 71).

3. قبول جنسیت فرزندان و در نتیجه، احساس رضایت والدین از جنسیت فرزند

1. «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ».

2. «الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ الْبَنُونَ نِعْمَةٌ فَإِنَّمَا يُثَابُ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَ يُسْأَلُ عَنِ النِّعْمَةِ».

(معاونت پژوهش، 1388، ص496).

ثالثاً: از هرگونه تبعیض بین فرزندان خودداری شود. رسول مکرم اسلام فرمودند: «هر کس فرزند دختری داشته باشد و او را آزار نداده، به او اهانت نکند و سایر فرزندان را بر او ترجیح ندهد، خداوند او را داخل بهشت می‌گرداند»¹ (حرعاملی، 1409، ج15، ص118؛ نوری طبرسی، 1408ق، ج1، ص181).

اسلام نه تنها با نابرابری جنسی مخالف است و راهبردهای دقیقی همچون ایمان و اخلاق را جهت جلوگیری از ستم و نابرابری جنسی در محیط خانواده و اجتماع، به صورت ظریف مطرح نموده، بلکه در جزئی‌ترین رفتارهای خانوادگی و اجتماعی، اصل عدالت را اساس رسیدن به کمال می‌داند. اسلام برخلاف دیدگاه‌های جبرگرایی و محیط‌گرایی فمینیسم، در عین قبول تفاوت‌های زیستی و تکوینی و برخی تفاوت‌های روان‌شناختی که مبنای تفاوت نقش‌ها و تکالیف زن و مرد است، اصل برابری ارزشی دختر و پسر را در آیات و روایات به‌طور صریح مطرح نموده است (بستان، 1390، ص74؛ همو، 1391، ص6).

به‌طور خلاصه در هویت‌یابی و آموزش جنسی جهت جلوگیری از زمینه‌های بروز انحرافات جنسی به نکته‌های زیر باید توجه نمود:

- اعتدال در محبت به فرزندان و پرهیز از محبت بیش از اندازه والد جنسی مخالف به کودک.

- پرهیز از تبعیض رفتاری درمورد دختر یا پسر در خانواده.
- هماهنگی پوشش کودک با جنسیت او.
- ایجاد تنوع و جهت‌دهی به بازی کودکان براساس جنسیت آنان.
- پرهیز از تحمل ویژگی‌ها و رفتارهای یک جنس بر جنس دیگر.
- واگذاری مسئولیت‌ها براساس جنسیت در خانه و بیرون از آن.
- اظهار رضایت والدین به همجنس خود در برابر فرزندان.
- بیان طبیعی بودن تفاوت‌های دو جنس و لزوم این تفاوت‌ها برای تکامل و پویایی (فقیهی، 1387، ص111).

1. «مَنْ كَانَتْ لَهُ أُثْنَى فَلَمْ يُبْدِهَا وَ لَمْ يُهْنِهَا وَ لَمْ يُؤْثِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

د) الگوسازی تربیتی در ساحت تربیت جنسی

از الزامات اخلاقی در بحث آموزش جنسی، الگوسازی تربیتی است که یک اصل اخلاقی و قرآنی در تمام ساحت‌های تربیتی، بخصوص ساحت تربیت جنسی است. روشی که به بیان برخی از محققان حوزه تربیت، «پیروزمندانترین و عملی‌ترین وسیله تربیت است و با روش‌های کتابی و خیالی، تفاوتی بس عمیق دارد» (قطب، 1375، ص 194).

قرآن کریم در هدایتگری انسان‌ها، بویژه نسل جوان که بیشتر در معرض انحرافات جنسی قرار دارند، با ظرافت به یک داستان اشاره می‌کند (یوسف/3) و برخلاف دأب خود که بنای ایجاز و کلی‌گویی است، در این داستان، گاه به صورت جزئی، مسائل لازم تربیتی را مطرح می‌کند. می‌توان با روش داستانی و قصه‌گویی و با القای غیرمستقیم به ضمیر ناخودآگاه کودکان، بسیاری از مفاهیم اخلاقی را درمورد مسائل جنسی به کودکان القا نمود. ابزارهای امروزی به شرط آسیب‌شناسی و مدیریت، نقش خوبی در این رابطه برعهده دارند. لازم به ذکر است که رفتار پدر و مادر، الگویی قابل توجه برای رشد جنسیت فرزندان است.

امیر مؤمنان 7 می‌فرماید: «هر کس خود را امام و پیشوای دیگران قرار می‌دهد، قبل از تعلیم دیگران باید به تعلیم خویش بپردازد و باید قبل از ادب کردن با زبان، با سیره خود به ادب کردن بپردازد» (سیدرضی، 1414، ص 417).

بدانیم که همت‌های بلند، ارزش‌های عالی و انسانی (مثل کمک به دیگران)، خلق و خوی نیکو، رفتارهای احترام‌آمیز، حتی برداشتن یک تکه نان در کوچه یا رعایت نظم در منزل از سوی والدین و مقتد بودن آنها به رفتارهای دینی در هر شرایطی، چه سفر و چه در منزل، چه در غم و چه شادی، چه موقع کار و چه بیکاری، نوع پوشش و تعویض آن و نیز نوع رفتارهای جنسی پدر و مادر و رعایت چارچوب اخلاق و حیا در این رفتارها و برعکس، کج‌خلقی‌ها، سوءرفتارها و سبک غلط زندگی در مسائلی مثل پوشش و اقتصاد و رفت و آمدها و... موجب درون‌سازی رفتار کودکان می‌گردد. کودکان از همان اوایل کودکی، اصل

1. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِبَاسٍ يَتَعَلَّمُ نَفْسَهُ قَبْلَ تَعَلِيمِ غَيْرِهِ وَ لَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ».

الگوگیری و همانندسازی را در پیش می‌گیرند.

ه) توجه خاص به دوران بلوغ و بایسته‌های آن

طبق آیه 58 سوره «نور» آموزش جنسی حتی قبل از دوران بلوغ وظیفه والدین است، اما دوران بلوغ به علت هوشیاری و فعلیت غریزه جنسی از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ به همین علت این دوره دوران افزایش هدایت و کنترل است، نه شروع آن و باید شیوه‌های آموزشی در این مقطع بیشتر از غیرمستقیم به مستقیم تغییر کند.

درباره مسائل دوران بلوغ به این نکات و الزامات اخلاقی-تربیتی باید توجه شود:

اول: این دوران نباید با سکوت برگزار شود، بلکه باید هم جنبه عملی و هم جنبه کلامی داشته باشد. برگزاری مراسم جشن تکلیف که امروزه برگزار می‌شود، کاری پسندیده است، به شرط آنکه از حد یک مراسم تجملی بیرون رود و جنبه تربیتی و آموزشی پیدا کند و باید بدانیم که منظور از آموزش در این مرحله، ارائه اطلاعات کلی صحیح راجع به وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها در این سن نسبت به خود و دیگران و نحوه ابراز علاقه و محبت و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحرافات است.

دوم: بلوغ، یک فرآیند شگرف و پیچیده است؛ زیرا از یک سو دوره انتقال از وابستگی به استقلال و مسئولیت‌پذیری است و از سوی دیگر، دوران بیداری غریزه جنسی و مرحله تغییرات و دگرگونی‌های فیزیولوژیکی، عاطفی و روانی به شمار می‌آید؛ لذا لازم است که اولاً والدین به این مهم توجه داشته باشند و ثانیاً خود نوجوانان با این دوران گذر آشنا شوند.

مهم‌ترین آموزش‌ها در این مرحله باید به سه بعد تغییرات جسمی، تحولات روحی و تکالیف شرعی و اجتماعی معطوف گردد. در قسمت تغییرات جسمی باید هم والدین و هم نوجوانان با این تغییرات آشنا شوند.

در دختران، این تغییرات با بزرگ شدن سینه‌ها، روپیدن و رشد موهای زهاری صاف و کم رنگ، حداکثر رشد سریع بدنی، ظهور موهای زهاری مجعد، شروع قاعدگی، رشد موهای زیر بغل و... همراه است. گفته شده است که حدود سن

قاعدگی از 10 تا 17 سالگی و معدل سنی آن، 13 سالگی است.

در پسران نیز با رشد سریع‌تر بیضه‌ها و آلت تناسلی، ظهور موهای بلند و نرم و موهای پشت لب، ظهور موهای نرم در دو طرف صورت، بیشتر شدن موهای زهاری، بم شدن صدا، رشد موهای همه قسمت‌های بدن و... همراه است (شریعتمداری، 1376، ص 146-147).

قرآن کریم اوج بلوغ را که زمان مناسبی برای ازدواج است، با تعبیر «بَلَغَ أَشُدُّ» (قصص/14) به کار می‌برد که تمام شاخه‌های بلوغ (جسمی و جنسی، عقلی، اجتماعی، عاطفی، فرهنگی و اقتصادی) را دربردارد (بانکی‌پور، 1388، ص 46). در بحث مهم تحولات روحی نیز خودپیروی اخلاقی، تغییر شخصیت، استقلال-طلبی، هوش انتزاعی و توجه به آینده، اهمیت یافتن امور مذهبی و هنری، سردرگمی و ابهام، نرمی دل و شتاب در نیکی‌ها، دوست‌یابی، بحران هویت و... مهم است.

در بحث تکالیف شرعی و اجتماعی نیز نوجوانان باید از مسائل احتلام و عادات ماهیانه و غسل‌های مربوط به آن و نیز حرام‌های الهی بر مرد جُنُب و زن حیض، مکروهات و مستحبات، تقلید از مرجع تقلید، مسئله طهارت و نجاست و غسل وضو و تیمم و عبادات واجبی مثل نماز و روزه و... آگاه شوند. به صورت کلی، تربیت دینی که از ساحت‌های مهم تربیتی است، نقش اساسی در بازدارندگی از انحرافات دارد که باید به صورت خاص به آن نگریست.

و) تولید محتوای آموزشی مطابق با دیدگاه اعتدال

بحث محتوای متون آموزش جنسی نیز از اهمیت ویژه برخوردار است که باید مجموعه‌ای از صاحب‌نظران علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تربیتی و فقهی با نگاه به آیات و روایات و منابع قوی و غنی فقهی به این مهم بپردازند. طبیعی است که برای ارائه این طرح باید متغیرهایی از قبیل جنسیت، سن، محیط زندگی، مقطع

1.

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»
«و هنگامی که (موسی) به رشد و کمال رسید، حکمت و دانش به او دادیم و این‌گونه نیکوکاران را پاداش می-دهیم».

تحصیلی و مانند آن مورد توجه قرار گیرد.

برخی از پیشنهادات در عرصه تولید محتوا عبارتند از:

1. بیان حالات روانی، عشق و خشم، توقع و انتظارات، توانایی‌ها و کاستی‌ها.
2. تبیین تحولات جسمی و روان‌شناختی دوران بلوغ.
3. آموزش وظایف شرعی و بهداشتی دختران و پسران در هنگام بلوغ.
4. خودارضایی و خطرات آن.
5. پرهیز از تهییج و تحریک غریزه جنسی در اندیشه، ذهن و حواس ظاهری.
6. همسرگزینی و ویژگی‌های همسر مطلوب و نحوه شناخت او.
7. مسئولیت هر یک از زن و شوهر در بحث زناشویی، تربیت فرزند و حقوق خانواده (متقی‌فر، 1380، ص 116-117).
8. همجنس‌گرایی و امراض مقاربتی همچون سفلیس، سوزاک، ایدز و راه‌های مقابله با آن.
9. هشدار به دختران درباره اغفال و حفظ گوهر عفت و یادآوری خطر روابط غیرمشروع.
10. تجاوز به عنف، زنا، محصنه و مسائل انحرافی غریزه جنسی و عواقب و احکام و مجازات آنها.

4. نتیجه‌گیری

با بررسی سه دیدگاه مطرح شده درباره آموزش مسائل جنسی و با توجه به رشد تکنولوژی، افزایش محرک‌های جنسی و وسایل رقیب آموزشی که خود بستر مناسبی برای رشد انحرافات جنسی از نظر کمی و کیفی است، به این نتیجه می‌رسیم که طرح آموزش مسائل جنسی به کودکان، آن هم در چارچوب اخلاق و شریعت، از ضروری‌ترین مباحث در حوزه علوم تربیتی است. در این خصوص باید با توجه به رشد فیزیولوژیکی و سطح درک کودکان و با ظرافت خاص، آموزش مسائل جنسی از همان دوره کودکی به صورت غیررسمی آغاز گردد. عمده بحث نیز به دوره بلوغ و ارتباط زناشویی سالم و رضایت‌بخش معطوف است.

طرح پیشنهادی ما نیز برپایه تعریف عامی که از آموزش جنسی ارائه دادیم، یک طرح جامع و دربردارنده تمام نیازهای آموزشی است. نکته مهم در این میان، رعایت الزامات اخلاقی در تمام مراحل تربیت و آموزش جنسی است؛ بخصوص دوران کودکی و نوجوانی که این مقاله به برخی هنجارهای آن اشاره نمود؛ ازجمله: توجه به تحریک‌پذیری جنسی کودکان، پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی و ایجاد بلوغ زودرس در کودکان، پرورش صحیح هویت جنسی کودکان، الگوسازی تربیتی و توجه خاص به دوران بلوغ و بایسته‌های آن.

منابع

* قرآن کریم

۱. ا.اگنر، رابرت، 1389، *برگزیده افکار راسل*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نقد علامه محمدتقی جعفری، تهران: فرهنگ اسلامی، چ 5.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، 1413ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ 2.
۳. اسماعیلی، علی، 1381، *جوان؛ انگیزه و رفتار جنسی*، تهران: لقاء النور، چ 1.
۴. الحرّ العاملی، محمد بن حسن، 1409ق، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت.
۵. النوری الطبرسی، حسین، 1408ق، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البیت.
۶. امینی، ابراهیم، 1389، *انتخاب همسر*، تهران: بین الملل، چ 18.
۷. آلن، ا.راس، 1378، *روان شناسی شخصیت (نظریه ها و فرآیندها)*، ترجمه سیاوش جمالفر، تهران: روان، چ 3.
۸. بانکی پورفرد، امیرحسین، 1388، *مطلع مهر (راهکارهای جامع و کاربردی برای انتخاب همسر)*، اصفهان: حدیث راه عشق، چ 7.
۹. بستان، حسین، 1390، *نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ 5.
۱۰. _____، 1391، *اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ 3.
۱۱. بهشتی، احمد، 1386، *خانواده در قرآن*، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چ 8.
۱۲. بی.هارلوک، الیزابت، 1393، *روان شناسی شخصیت با تأکید بر تحلیل عوامل مؤثر بر رشد شخصیت*، ترجمه و تلخیص پرویز شریفی درآمدی و محبوبه حاجنوروزی، تهران: آوای نور، چ 2.
۱۳. ثابت، حافظ، 1386، *تربیت جنسی در اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، چ 3.

۱۴. جان بی. ناس، ۱۳۷۳، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی فرهنگی.
۱۵. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، *فرهنگ جامع سخنان حضرت فاطمه ۳*، ترجمه علی مؤیدی، تهران: بین الملل، چ ۲.
۱۶. دژکام، محمدرضا، ۱۳۸۸، *روان شناسی اختلال های جنسی*، تهران: منشأ دانش، چ ۳.
۱۷. دوان پی. شولتز و سیدنی الن شولتز، ۱۳۹۰، *نظریه های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ویرایش، چ ۲۰.
۱۸. زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۱، *جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی*، قم: هاجر، چ ۱.
۱۹. سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۹، *نظام خانواده در اسلام*، قم: هاجر، چ ۴.
۲۰. سیدرضی، محمد، ۱۴۱۴ق، *گردآورنده فرمایشات امام امیر المؤمنین ۷: نهج البلاغه*، در یک جلد، قم: مؤسسه نهج البلاغه، چ ۱.
۲۱. شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۵، *مراحل رشد و تحول*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۲. شریعتمداری، علی، ۱۳۷۶، *روان شناسی رشد*، تهران: امیرکبیر، چ ۱۰.
۲۳. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۹۲، *روان شناسی رشد*، تهران: اطلاعات، چ ۲۰.
۲۴. طوسی، محمد بن محمد نصیر الدین، ۱۳۹۱، *اخلاق ناصری*، تهران: علمیه اسلامی، چ ۷.
۲۵. عاقل، فاخر، بی تا، *التربیه قديمها و حديثها*، بیروت، دار العلم للملایین.
۲۶. غلامی، یوسف، ۱۳۹۰، *از دواج و مسائل جنسی همسران*، قم: لاهیجی، چ ۱۵.
۲۷. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۷، *تربیت جنسی (مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث)*، قم: دار الحدیث، چ ۱.
۲۸. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۱ق، *مفاتیح الشرائع*، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۲۹. قطب، محمد، ۱۳۷۵، *روش تربیتی اسلام*، ترجمه، سید محمد مهدی جعفری، شیراز، دانشگاه شیراز، چ ۵.

۳۰. کاشانی، عزالدین محمود، ۱۳۸۵، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تهران: زوّار، چ ۲.
۳۱. کتاب مقدس، ۱۹۸۷ م. (*عهد قدیم (عتیق) و عهد جدید*)، ترجمه انجمن کتاب مقدس، چ ۲.
۳۲. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۱۴۰۷، ۸ جلد، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چ ۴.
۳۳. لطف آبادی، حسین، ۱۳۸۵، *روان شناسی رشد*، ج ۲، تهران: سمت، چ ۸.
۳۴. متقی فر، غلامرضا، خرداد ۱۳۸۰، *مجله علمی - تخصصی معرفت در زمینه علوم انسانی*، ش ۴۲، سال دهم، ش ۳.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۳۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *مجموعه آثار*، ج ۱۹، تهران: صدرا.
۳۷. معاونت پژوهش، ۱۳۸۸، *تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن (مجموعه مقالات)*، قم: مؤسسه امام خمینی، چ ۴.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۱۴، تهران: دارالکتب الاسلامی، چ ۱.
۳۹. منصور، محمود، ۱۳۸۷، *روان شناسی ژنتیک، تحول روانی از تولد تا پیری*، تهران: سمت، چ ۹.
۴۰. نصری، عبدالله، ۱۳۸۸، *فلسفه آفرینش*، قم: معارف، چ ۳.
۴۱. هرمان الدنبرگ، ۱۳۴۰، *فروغ خاور*، ترجمه بدرالدین کتابی، تهران: تأیید.